

حمام و کارکردهای سیاسی آن در سده‌های میانه تاریخ ایران

امامعلی شعبانی، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه مازندران (نویسنده‌ی مسئول)*
فریبرز سجادی، عضو هیات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری

چکیده

حمام به عنوان یکی از شاخصه‌های حائز اهمیت شهرهای اسلامی - ایرانی علاوه بر کارکردهای اجتماعی و گاهی علمی و فرهنگی، در امر سیاست نیز محل رجوع بوده است. این موضوع به حدی اهمیت دارد که می‌تواند به فهم تاریخ تحولات سیاسی تاریخ ایران در سده‌های میانه اسلامی کمک کند. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال اصلی بوده است که کارکردهای سیاسی حمام در سده‌های میانه تاریخ ایران چیست؟ یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که موقعیت ممتاز جغرافیایی حمام و قرار گرفتن آن در مرکز شهر و در کنار کانون‌های مهم شهری - از جمله مسجد و بازار - در کنار ویژگی‌های معماری این بنا، موجب گردید تا بسیاری از قتل‌ها و سوء قصدها در حمام صورت پذیرد. در این سوء قصدها ده‌ها سلطان، خلیفه، وزیر و امیر به قتل رسیدند و یا دچار صدمه و آسیب جسمی گردیدند. سوء قصدکنندگان نیز از طیف‌های مختلف اجتماع هستند که خود می‌تواند به طور مستقل مورد پژوهش قرار گیرد. نکته دیگر آن که تعدادی از قتل‌های صورت گرفته در مقطع مورد اشاره به طور غیرمستقیم و در ارتباط با حمام به وقوع پیوسته است که در هر صورت از جایگاه مهم این بنای شهری حکایت دارد. وجود نمونه‌های متعدد از سوء قصدهای ناکام در حمام نیز خود بر این اهمیت بیش از پیش صحنه می‌گذارد. علاوه بر این حمام با توجه به ظرفیت بالای تبلیغی در اجتماع، محل مناسبی برای تبلیغ، اعتراض و یا تبلیغ سیاسی بوده است.

واژگان کلیدی: حمام، قتل‌های سیاسی، اعتراض سیاسی، تاریخ ایران، سده‌های میانه.

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۵

*E-mail: E.shabani@umz.ac.ir

مقدمه

حمام‌ها در تاریخ قرون میانه ایران نه تنها در بعد اجتماعی دارای نقش و جایگاه حائز اهمیتی بودند، بلکه موقعیت ممتاز آنان در بافت شهرها و در نتیجه تعامل گسترده مردم با این نوع جلوه گاه معماری ایرانی-اسلامی موجب می‌گردید تا به لحاظ سیاسی نیز منشاء تحولات بسیاری باشند. تحولاتی از جمله قتل‌ها و ترورها که گاهی سرنوشت سیاسی حکومت‌ها و متعاقباً مسیر تاریخ را تغییر داده است. حال پرسش اساسی اینجاست که حمام‌ها چه کارکردهای سیاسی در سده‌های میانه تاریخ ایران از خود ثبت کرده‌اند؟

به لحاظ پیشینه پژوهش بایستی بیان داشت که با توجه به عدم توجه لازم و کافی در منابع تاریخی کهن نسبت به مباحث اجتماعی و به‌ویژه نهادهای اجتماعی از جمله حمام‌ها، این امر بر روند پژوهش‌های تاریخی اثر نامطلوب داشته است. در این راستا گر چه فرض اولیه پژوهش بر آن بود تا کارکردهای سیاسی بسیار و درعین‌حال متنوعی از حمام در این مقطع تاریخی ثبت شده باشد، لیکن ضعف‌ها و محدودیت‌های تاریخ‌نگاری ایرانی در پرداخت به نهادها و مؤسسات عام‌المنفعه موجب گردید تا صرفاً در زمینه کارکرد سیاسی ترور، محل اعتراض سیاسی و البته مختصری در کارکرد دفاعی مثال‌های چندی ارائه شود. البته لازم به ذکر است که نمونه‌های معدود موجود خود از اهمیت و جایگاه حمام در تاریخ تحولات سیاسی سده‌های میانه تاریخ ایران حکایت دارد. مع‌الوصف در مورد کارکردهای اجتماعی-فرهنگی مسجد در مقطع مورد اشاره مقاله‌ای با عنوان «حمام و کارکردهای اجتماعی آن در سده‌های میانه تاریخ ایران» که صرفاً به مباحثی چون نقش اطلاع‌رسانی عمومی، محل ملاقات‌های عمومی و مذاکرات خصوصی، کارکرد علمی و فرهنگی، کارکرد درمانی، کارکرد دینی و کارکرد بعضاً اداری اشاره دارد. علاوه بر این کتاب ارزشمند «حمام عمومی در جامعه و فرهنگ و ادب دیروز» که به حمام با نگرش مردم شناختی به‌طور عمومی در تاریخ ایران توجه داشته است. البته در بخش چهارم کتاب و به‌طور گذرا به موضوع وقوع قتل در حمام‌های عمومی پرداخته که خود صرفاً به سه نمونه از این قتل‌ها (قتل ذوالریاستین فضل بن سهل، ملک فخرالدوله در طبرستان و درنهایت قتل میرزا تقی‌خان امیرکبیر)- علی‌رغم وجود صدها نمونه- اشاره دارد. مقاله عالمانه و درعین‌حال مختصر با عنوان *bathhouses* در دایرةالمعارف ایرانیکا پیشینه دیگری از پژوهش در این حوزه است که صرفاً به کلیاتی از موضوع حمام در تاریخ ایران و اسلام پرداخته است. مقاله مذکور نخست از وجود حمام در دوره باستانی ایران، آنگاه حمام‌های مشهور در تاریخ ایران، نظام اداری حمام‌ها، نقش اجتماعی حمام

به‌اختصار، معماری و طراحی حمام، انواع حمام‌ها و درنهایت به حمام روستاها پرداخته است (۱). علاوه بر تحقیقات در حوزه معماری، پژوهش‌های دیگری نیز در خصوص حمام در تاریخ ایران - بیشتر به‌صورت مقاله - به رشته تحریر درآمده است که غالباً به جنبه‌های هنری و یا غالباً به معرفی حمام‌ها پرداخته و البته کارکردهای سیاسی - آن‌هم با رویکرد تخصصی - اساساً موردتوجه نبوده است. در همین راستا به‌نظر می‌رسد کم‌اعتنایی به نهادها و مؤسسات عمومی در تاریخ ایران و در میان محققان از یکسو و پراکندگی داده‌های مربوطه در متون کهن از دیگر سو، در این مسئله بی‌تأثیر نبوده است. در اهمیت پژوهش نیز بایستی گفت که تاریخ تحولات سیاسی ایران به‌طور اعم و سده‌های میانه اسلامی به‌طور اخص ارتباط قابل‌اعتنایی با حمام (۲) می‌یابد. مزیدبراین باتوجه به جایگاه و اهتمام اسلام در مقوله نظافت و پاکیزگی و نیز کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حمام، این بنا همواره از اهمیت و جایگاه ممتازی در طول تاریخ برخوردار بوده است. لذا بی‌علت نیست که از آن به‌عنوان یکی از ارکان مهم شهری و روستایی یاد می‌شود. حال در مقاله پیش رو، تلاش شده است به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از متون و اسناد تاریخی، به تبیین کارکرد سیاسی این ابنیه شاخص (۳) در سده‌های میانی تاریخ ایران پرداخته شود.

قتل و مجازات مخالفان

حمام همان‌گونه که می‌توانست محل اتفاقات خوب مانند مناظرات، گفتگوهای علمی-فرهنگی، مراسم وابسته به ازدواج و... باشد (۴)، درعین‌حال مکان مناسبی برای ترور و قتل چهره‌های شاخص بود. تاریخ ایران در سده‌های مختلف از این کارکرد سیاسی حمام پرده برمی‌دارد (۵). شرایط و ویژگی‌های حمام در ابعاد و زمینه‌های مختلف، آن را در کنار مسجد به‌عنوان یکی از مناسب‌ترین مکان‌ها جهت ترور غافلگیرانه و قتل بی‌سروصدای اشخاص - بدون واکنش آنی - در طول تاریخ ایران و اسلام درآورد. معماری درون‌گرایانه حمام در کنار استحکام بنا موجب می‌گردید تا افراد معمولاً در آنجا بی‌دفاع بوده و فریاد کمک خواهی آنان به گوش بیرونیان نرسد (۶). مزید بر این پر رفت‌وآمد بودن مراکز شهرها که خود می‌توانست برای فرار ضاربان و نیز از سوی دیگر تسریع در انتشار اخبار و در نتیجه ناآرامی‌های سیاسی مؤثر باشد، موجب گردید تا حمام‌ها همواره به‌عنوان مکان مناسبی جهت اجرای نقشه قتل شخصیت‌های متنفذ مورد بهره‌برداری قرار گیرد (۷). شاید به خاطر همین اهمیت و جایگاه سیاسی حمام است که بخشی از سیاست نظارتی حکومت‌ها معطوف به آن بوده است. به‌طور

مثال ابن اخوه به‌طور مکرر، در صفحات مختلف کتابش و در ذیل عباراتی چون «حسب بر گرمابه»، «محتسب باید فرمان دهد...»، «محتسب باید مراقبت کند...» و «بر محتسب است...» بخشی از وظایف و درعین‌حال اختیارات نهاد «حسبه» و شخص قدرتمندی چون «محتسب» را معطوف به نظارت بر گرمابه‌ها توسط حکومت‌ها می‌داند (ر.ک. به: ابن اخوه، ۱۳۶۵: ۳۹، ۱۶۰-۱۶۸). تاریخ ایران در سده‌های میانه اسلامی موارد متعددی از ترورها و سوءقصد نسبت به سلاطین، خلفا، امراء و صاحب نفوذان سیاسی و نظامی را ثبت کرده است:

قتل مرداویج (۳۱۶-۳۲۳ ق) در حمام را می‌بایست یک نمونه شاخص از این امر به شمار آورد. به نوشته منابع، سختگیری‌ها و تحقیر این سلطان زیاری نسبت به زبردستان- و در رأس آن ترکان سپاهش- حس نفرت شدیدی را در آنان ایجاد کرد. لذا ظاهراً به تحریک دستگاه خلافت عباسی (۸)، در صفر ۳۲۳ هجری ویرا در حمامی در اصفهان به قتل رساندند. شرح ترور مرداویج نیز قابل تأمل است. قاتلین که در رأس آنان غلامان خاصی چون بجکم و توزون قرار داشتند، به‌خوبی واقف بودند که تنها جایی که می‌توانند مرداویج را بدون کمترین مانعی ترور کنند، حمام خواهد بود؛ لذا با هم‌دستی دربان گرمابه، تیغه دشنه او را شکستند و دسته بی تیغه را در غلاف و در لای دستمال نهاده و به درون حمام بردند. [این امر نشان می‌دهد که خود مرداویج هم از کارکرد حمام به‌عنوان یکی از مکان‌های مناسب ترور واقف بوده و همواره با خود دشنه حمل می‌کرده است]. غلامان مهاجم پس‌از آن که هم قسم شدند، به حمام مذکور یورش آوردند. آنان نخست مأمور محافظ حمام را از پای درآوردند که البته این امر موجب گردید تا مرداویج به خطر پی برده و تخت گرمابه را که ویژه نشستن بود، در پشت در نهد. اما مهاجمان بر بام حمام رفتند و شیشه‌ها را شکستند و به‌سوی او تیر انداختن گرفتند. لذا مرداویج در گوشه‌های حمام پناه گرفت. این بار مهاجمان در را شکستند و به درون حمام راه یافتند. مرداویج با گریزی سیمین به دفاع از خود پرداخت و حتی یکی از مهاجمان را زخمی ساخت. لیکن یکی از غلامان با کارد شکم او را درید و سپس به گمان آن که او کشته شده است، از حمام خارج شدند. اما هم‌دستان آنان در بیرون از حمام- با توجه به سابقه پارگی و دوختن شکم مرداویج- احساس ترس کردند و از مهاجمان خواستند برگردند و سر از تنش جدا سازند. اتفاقاً خوف مذکور بیره نبود؛ چون مرداویج درحالی که روده‌ها را جمع کرده و به شکم خود باز گردانیده و با دست چپ‌روی آن را گرفته بود، با گرز مدتی با آنان جنگید تا آن که ترکان مهاجم سر از تنش جدا ساختند و جلو سرسرای کاخ انداختند و به بغداد گریختند (۹) (مسعودی، ۱۳۴۷: ۷۵۱/۲؛ مسکویه، ۱۳۷۶: ۴۱۵/۵-۴۱۷؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۴۸۹۹/۱۱-۴۹۰۰؛ رجیبی، ۱۳۸۶: ۵۱/۳).

پیش‌تر از آن قتل ابوسعید جنابی (گناوه‌ای) - مؤسس و پیشوای قرامطه بحرین - به سال ۳۰۰ یا ۳۰۱ هجری قمری نیز در حمام صورت پذیرفت. ضارب حسن بن بهرام نام، خادم صقلایی یا اسلاوی ابوسعید بود. وی که مأمور طعام و نوشیدنی بود، در گرمابه به او پرید و سرش را از تن جدا ساخت. در علت این اقدام نیز عدم تقید ابوسعید به نماز و روزه ماه رمضان و یا سوءنظر به غلام مذکور بیان شده است. نکته ظریف اینجاست که وی علاوه بر این، چهار تن از بزرگان پیرامون ابوسعید و در حقیقت سرداران قرامطی را نیز به همین طریق به حمام فراخواند و به قتل رساند. شگرد ضارب در این اقدام قابل توجه بود. بدین صورت که هر یک از سرداران را بدین بهانه که ابوسعید با او کاری دارد، به صورت انفرادی به داخل حمام می‌کشاند و سپس نقشه قتل او را اجراء می‌کرد. البته نفر پنجم احساس خطر نمود و فریاد کشید و مردم را به کمک طلبید. این اقدام او در نهایت به دستگیری خادم پیشوای قرامطه و کشته شدنش انجامید (ر.ک. به: طبری، ۱۳۷۵: ۶۷۸۱/۱۵؛ مسکویه، ۱۳۷۶: ۸۶/۶؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳۶/۱۹؛ ممتحن، ۱۳۷۱: ۲۱۳). (۱۰)

خلیفه عباسی المستنجد بالله (۵۵۵-۵۶۶ ق) نیز توسط امراء و دیوان‌سالاران شورشی در حمام به قتل آمد. قیام‌کنندگان از جمله عضدالدین ابوالفرج بن رئیس الروساء - امیر و پیشکار خلیفه - و امیر قطب‌الدین قایماز که از نقشه خلیفه مبنی بر قتلشان باخبر شده بودند، خلیفه بیمار را درحالی که ناله می‌کرد و تضرع و التماس می‌نمود، به گرمابه کشاندند و در را به رویش بستند. به روایت ابن اثیر «او در آنجا ماند و پی‌درپی فریاد کشید تا درگذشت». شورشیان آنگاه پسرش ابو محمد حسن ملقب به المستضی بالله را بر تخت خلافت نشانند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۸۹/۲۱-۲۹۲؛ نیز ابن عبری، ۱۳۷۷: ۲۹۸). به نوشته ابن خلدون ظاهراً آن‌ها به واسطه طبیب خلیفه دریافتند که اگر خلیفه بیمار به حمام برود، برایش مضر خواهد بود؛ لذا روش مذکور را در کنار دیگر مزایایش برای حذف فیزیکی او برگزیدند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۸۱۲/۲). در خصوص علت قتل خلیفه و به روایت منابع تاریخی با وزارت ابوجعفر البلدی از سوی المستنجد بالله، عملاً موقعیت عضد‌الدین که از بزرگ‌ترین امرای بغداد شمرده می‌شد، تضعیف گردید. عداوت و دشمنی بین امیر و وزیر نیز مزید بر علت بود (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۸۱۲/۲). ضمناً اگر این گزارش که او را دادگر در حکومت و نیک‌رفتار نسبت به رعیت معرفی می‌نماید صحیح باشد، محتملاً نمی‌تواند در وقوع این حادثه بی‌تأثیر باشد (ر.ک. به: ابن عبری، ۱۳۷۷: ۲۹۸). نکته ظریف اینجاست که با انتشار خبر مرگ خلیفه عباسی، عموم مردم و از جمله امراء و سپاهیان به سوی سرای خلافت آمدند و نگرانی خود را ابراز داشتند که البته به ترفند قاتلان پراکنده شدند (ر.ک. به: ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۸۲۰/۲). (۱۱)

چند قرن قبل از آن، قتل خلیفه معتز (۲۵۲-۲۵۵ ق) نیز در حمام اتفاق افتاده است. امرای ترک دربار خلافت عباسی پس از آن که به دسیسه خلیفه در سیاست حذف عنصر ترک پی بردند، حمام را مناسب‌ترین مکان برای قتل او یافتند. به گفته مسعودی در میان روایت‌های مختلف، مشهورترین روایت آن است که خلیفه بخت‌برگشته را به اجبار به درون حمام داغ بردند و نگذاشتند از آن خارج شود؛ تا آن که جان داد. مورخ مذکور در ادامه به برخی روایت تکمیلی نیز این‌گونه اشاره دارد که پس از آن که نزدیک بود معتز، جان خود را از فرط گرما و تشنگی از دست بدهد، «برفاب خنک به او نوشانیدند که جگر و امعایش پاره‌پاره شد و در دم جان بداد» (۲۵۵ ق) (مسعودی، ۱۳۴۷: ۵۸۵/۲). کشته شدن خلیفه به دست ترکان ضمن تداوم استیلای بی‌چون‌وچرایشان بر دستگاه خلافت، آنان را به حفظ جان و دستاوردهای خود جدی‌تر ساخت (ر.ک. به: طقوش، ۱۳۹۰: ۱۹۱).

قتل بغداد خاتون -همسر ایلخان ابوسعید (۷۱۶-۷۳۶ ق)- در حمام نمونه دیگری از کارکرد سیاسی حمام را در سده‌های میانه ایران به نمایش می‌گذارد. به روایت منابع، اطبای ابوسعید مرگ نابهنگام او را بر اثر مسمومیت تشخیص دادند و در این میان انگشت اتهام به سمت همسر نخستین او یعنی بغداد خاتون نشانه رفت (۱۲). لذا پس از مرگ ابوسعید (۷۳۶ ق)، امراء درصدد قتل او برآمدند و در این راستا ظاهراً حمام و لحظه استحمام را موقعیتی مناسب برای اجرای نقشه خود یافتند. بدین ترتیب که غلامی رومی به نام خواجه لوءلوء را مأمور ساختند تا وی را در حمام و با ضربه چماقی به قتل رساند (۱۳) (شبانکاره‌ای، ۱۳۷۶: ۲۹۵-۲۹۶؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۲۰۹؛ اشیپولر، ۱۳۸۶: ۳۴۵). پیش‌تر از آن، قتل زنی از خاندان حکومتی آل‌بویه نیز در حمام رقم خورد. فضلوویه رئیس قوم شبانکاره که درصدد برافکندن حکومت آل‌بویه در فارس بود، خراسویه دختر جستان بن وهسودان پادشاه دیلمان و مادر سیاس ابومنصور دیلمی-حاکم فارس- را به لطایف‌الحیلی مطیع و منقاد خود ساخت. وی آنگاه نقشه قتل او را طراحی کرد و در این راستا حمام را بهترین مکان جهت پیاده کردن آن یافت. بدین صورت که وی را در گرمابه‌ای بی آب انداخت و خفه کرد (۳۴۲ ق). سپس فرزندش ابومنصور را دستگیر و آنگاه مقتول ساخت (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۲۴-۲۵، ۳۹۱؛ مسکویه، ۱۳۷۶: ۶۱/۶).

ظاهراً استفاده از حمام به عنوان مقتل زنان مجرم در جغرافیای غور نیز امری متداول بوده است. چنانچه علاءالدین حسین جهانسوز (۵۴۴-۵۵۶ ق) زنان غزنینی را که به ساز و آواز اشعاری در هجو برادرش [که پیشتر از آن بدست غزنویان در غزنین به دار آویخته شده بود] خوانده بودند، دستگیر و داخل گرمابه‌ای کرد و درش را بست و نگذاشت از آن بیرون آیند. بدین ترتیب همه آن زنان از خفگی جان سپردند (۱۴) (۵۴۷ ق) (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق/ ۱۹۶۵ م: ۱۱/۱۶۵). ملک فخرالدوله حسن باوندی

آخرین فرمانروای آل باوند شیعه مذهب نیز در حمام به قتل رسید. چنانچه پیشتر اشاره گردید وی در سال ۷۵۰ هجری قمری بدست یکی از فرزندان کیاافراسیاب چلاوی با نام محمدکیا با ضربه خنجر بر سینه او، به هنگام تعلیم شاهنامه و در حمام کشته شد (ر.ک.به: مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲۱). در علت قتل فخرالدوله، بازگشت وی به سوی هم پیمانان سابق خود یعنی کیابیان جلالی و پشت کردن به کیابیان چلاوی سنی مذهب و در رأس آنان کیاافراسیاب-پدر قاتل- ذکر گردید. افراسیاب پس از اخذ فتوای قتل از علمای امل و به اتهام زنا با خواهرزاده‌اش، نقشه قتل او را در حمام به اجراء درآورد (ر.ک.به: همان: ۱۲۰-۱۲۱؛ املی، ۱۳۴۸: ۲۰۱). بدین ترتیب به عمر سیاسی حکومتی با حدود ۷ قرن (۴۵- ۷۵۰ ق) خاتمه داده شد.

تواریخ محلی مربوط به شمال ایران در سده‌های میانه اسلامی به نمونه‌های دیگری از کارکرد سیاسی حمام در این خصوص اشاره دارند. نخست بایستی از قتل گرده‌بازو پسر شاه‌غازی -حاکم طبرستان- یاد کرد. وی که به عنوان گروگان در دربار سلطان سنجر سلجوقی (۵۱۱-۵۵۲ ق) زندگی می‌کرد، در شهر سرخس و در حمام آن به دست دو نفر از فداییان اسماعیلی به ضرب کارد به قتل رسید. ظاهراً قتل عام اسماعیلیان بدست پدر او انگیزه این ترور ذکر گردیده است (۱۵) (املی، ۱۳۴۸: ۱۲۷). مورخ مذکور همچنین از قتل منوچهر مرزبان لاریجان بدست پسرش باحرب در حمام خبر می‌دهد (اواسط قرن ششم هجری قمری). باحرب بدان علت که پدرش برخلاف قاعده ارشدیت، پسر دیگرش را به ولیعهدی خود برگزید، در صدد انتقام برآمد. وی پس از آنکه برادران خود را در ضیافت افطاری به قتل رساند، پدرش را به هنگام صبح و وقتی که برای طهارت به حمام رفته بود، با گریزی سنگین به قتل رساند (همان، ۱۳۴۸: ۱۳۵-۱۳۶؛ نیز مرعشی، ۱۳۴۵: ۲۲).

قتل خلیفه الظاهر بالله (۶۲۲-۶۲۳ ق) پسر و جانشین خلیفه الناصرالدین‌الله نیز به طور عجیب و غریبی با حمام پیوند یافته است. گفته شده است «خصمان و مخالفان» اش حمام را مناسب‌ترین مکان و در عین حال بهترین فرصت برای حذف سیاسی او - پس از نه ماه و نه روز خلافت- یافتند. بدین صورت که زهر در پیراهنش تعبیه کردند و به روایت جوزجانی، خلیفه عباسی چون آن پیراهن را پوشید، برحمت حق پیوست (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۱/۱۲۸). در همین راستا به نظر می‌رسد مشی سیاسی متفاوت او و در قیاس با پدرش در اصلاح امور و مبارزه با فساد حکومتی، در این مساله بی تأثیر نبوده است (ر.ک.به: بیانی، ۱۳۷۰: ۱/۲۹۰-۲۹۱). تعدادی از قتل‌های صورت گرفته در سده‌های میانه تاریخ ایران به طور غیر مستقیم با حمام گره خورده است که البته خود از اهمیت آن در تحولات سیاسی این دوره

حکایت دارد. به طور مثال می‌توان به قتل سلطان زیاری شمس‌المعالی قابوس بن وشمگیر (۳۶۶-۴۰۳ ق) به سال ۴۰۳ هجری قمری اشاره کرد. سخت‌گیری‌ها و خشونت وی موجب گردید تا بزرگان دربار زیاری با همسو ساختن فرزندش منوچهر، علیه او شورش کنند. قابوس خلع و در قلعه چناشک گرگان عملاً تحت نظر خانگی و یا به نوشته قزوینی، «محبوس» گردید (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۶۰؛ جرفاذقانی، ۱۳۷۴: ۳۴۹-۳۵۰؛ اشیولر، ۱۳۷۳: ۳۹۶/۲) شورشیان که از بازگشت به قدرت قابوس در هراس بودند، توطئه قتل او را طراحی کردند و در این راستا حمام و زمان استحمام را موقعیتی مناسب برای اجرای نقشه خود تشخیص دادند. بدین صورت که در یکی از روزهای سرد زمستان که سلطان زیاری برای نظافت به حمام رفته بود، لباس‌هایش را ربودند و بدین ترتیب وی بر اثر شدت سرما یخ بست و کشته شد (۱۶). الکامل فی التاریخ از شدت این حادثه و البته یکی از معدود صحنه‌های استغاثه صاحبان قدرت برای رهایی از مرگ در تاریخ ایران این گونه پرده برمی‌دارد: «موسم زمستان بود و استغاثه می‌کرد مرا پوشاکی ولو جل ستوری باشد، بدهید و کسی گوش نداد و خواست او انجام ندادند و از شدت سرما بمرده» (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۴۵/۲۱). (۱۷) در نمونه‌ای دیگر نیز می‌توان به ترور و در نهایت کشته شدن خواجه نظام‌الملک طوسی - ظاهراً بدست اسماعیلیان و در بروجرد یا نهاوند - در پیوند با حمام اشاره کرد (۴۸۵ ق). به نوشته صدرالدین حسینی «وقتی نظام‌الملک... از گرمابه به در شد، از این دو مرد یکی از جای خویش به در آمد، به هیات مردی دادخواه، و او را کاردی زد و بگریخت» (حسینی، ۱۳۸۰: ۹۸). قتلی که بعدها رشته‌ای از انتقام‌های سیاسی - از جمله مرگ زود هنگام ملک‌شاه - و در نتیجه آشوبهای سیاسی را در حکومت سلجوقی موجب گردید (ر.ک. به: باسورث، ۱۳۷۱: ۱۰۴-۱۰۵).

همچنین سلطان داود بن محمود بن ملک‌شاه سلجوقی (۵۲۵-۵۲۶ ق) به کارد فداییان اسماعیلی بر در حمامی در شهر تبریز و به سن بیست و پنج سالگی کشته شد. علت قتل این سلطان سلجوقی در سرکوب اسماعیلیان و در نتیجه انتقام‌کشی آنان در یک موقعیت مناسب و به هنگام استحمام گفته شده است (۱۸) (مستوفی، ۱۳۶۴: ۴۵۵). بنداری در تعبیری جانبدارانه ترور وی را از «زشت‌ترین مصیبت‌ها» دانسته است (بنداری، ۲۵۳۶: ۲۳۱). در همین راستا آشوب‌های سیاسی پس از قتل سلطان سلجوقی بر این توصیف بنداری صحنه می‌گذارد (ر.ک. به: باسورث، ۱۳۷۱: ۱۲۷). قتل وزیر ابوطالب سمیرمی وزیر سلطان محمود بن محمد سلجوقی (۵۱۱-۵۲۵ ق) ظاهراً به دست فدائیان اسماعیلی نیز در دو بعد با حمام (۱۹) مرتبط است. نخست آن که قتل او پس از خروج از حمام رخ داده و از همه مهمتر به روایت ابن‌اثیر وی وقتی که در حمام بود، منجمان طالع‌اش را گرفتند (۲۰) تا ببینند چه ساعتی برای خروج از شهر و رفتن به همدان مناسب است. آنان بدو گفتند که این وقت بسیار مناسب است و اگر درنگ کنی،

چنین طالع سعدی از دست خواهد رفت (۲۱). البته عمل به توصیه اکید منجمان برای وزیر سلجوقی پر هزینه بود و او توسط کارد بدستان اسماعیلی به قتل رسید (۵۱۶ ق) (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۶/۲۵-۲۷). قتل سیف‌الدین رستم از اتابکان لرستان نیز با حمام پیوند خورده است. به روایت منابع تاریخی ظاهراً سیاست عدل و داد او مخالفانش را با برادرش شرف‌الدین ابوبکر همسو ساخت. لذا در پی قتل او برآمدند. به نظر می‌رسد برنامه قتل او در حمام صورت گرفته؛ گر چه وی مطلع گردیده و به نوشته مستوفی قزوینی «سر ناشسته بیرون دوید و با یک مرد گریزان شد». سیف‌الدین آنگاه به کوه گریخت و البته در آنجا به دست برادرش و با تیری از پای درآمد (۶۲۱ ق) (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۴: ۵۵۴؛ بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۷/۱). البته بعضی از ترورها و سوءقصد‌های صورت گرفته در حمام به دلایل مختلف ناموفق بوده و آمران و عاملان آن در اجرای نقشه‌های خود ناکام می‌ماندند. در یک مثال برجسته می‌توان به ترور ناموفق جمال‌الدوله فرخزاد بن مسعود بن محمود بن سبکتگین-صاحب غزنین، هندوستان و بخش‌هایی از خراسان و ممدوح بیهقی- اشاره کرد (بیهقی، ۱۳۷۴: ۱۵۲/۱). غلامان او- و شاید به تحریک سلجوقیان (فروزانی، ۱۳۸۴: ۳۰۹)- درصدد قتلش برآمدند و برای تحقق این امر حمام را مناسب‌ترین مکان و در عین حال بی‌دفاع‌ترین لحظه برای سلطان غزنوی دانستند. آنان به حمام یورش آوردند و البته فرخزاد واکنش نشان داد و با شمشیری که با خود به همراه داشت، به دفاع پرداخت. ظاهراً مدافعت و ممانعت وی موجب گردید تا یارانش در بیرون از حمام متوجه این حادثه شده و وارد حمام شوند (۲۲). بدین ترتیب او نجات یافت و غلامان شورش کشته شدند (۴۵۰ ق) (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۳۵۷/۱۶).

در نمونه دیگر از ترورهای ناموفق صورت گرفته به واسطه حمام می‌توان به سوء قصد به جان سلطان محمود غزنوی (۳۸۷-۴۲۱ ق) اشاره کرد که خود بیان‌گر اهمیت و جایگاه این جلوه‌گاه معماری ایرانی در نقش آفرینی‌های سیاسی-اجتماعی روز است. به نوشته بدایع‌الوقایع [تنها منبعی است که به چنین واقعه‌ای-آنهم به طور اجمالی-اشاره دارد] ظاهراً برادر سلطان و امرای مخالف او تصمیم داشتند تا از طریق سر تراش حمام و به هنگام اصلاح سر و صورت، نقشه قتل سلطان غزنوی را عملی سازند. مقدمات کار برای این اقدام فراهم گردید؛ لیکن خواندن شعری که بر دیوار حمام نقش بسته بود-ظاهراً به طور اتفاقی- توسط سلطان غزنوی (۲۳) و با این عبارت که «اشترا کج گردنا دانم چه خواهی کردنا»، آنهم به هنگامی که سر تراش مشغول تراشیدن موهای زیر محاسن سلطان بود، موجب گردید تا سر تراش به گمان آن که توطئه‌شان لو رفته است، دستش بلرزد و این امر موجب مشکوک شدن

سلطان و در نهایت اعتراف فرد مذکور گردد. بدین ترتیب سلطان غزنوی از مرگ حتمی نجات یافت (واصفی، ۱۳۴۹: ۲/۳۲۷-۳۲۸).

در نمونه دیگر از سوءقصد‌های ناکام به واسطه حمام می‌توان به ماجرای ترور تکش (۵۶۸-۵۹۶ ق) بدست همسر سیاست‌ترکان خاتون اشاره کرد. ترکان خاتون که از علاقه سلطان خوارزمشاهی به یکی از کنیزان و خیانت به او باخبر شد، در صدد برآمد تا انتقام سختی از همسرش بگیرد؛ لذا او را در حمام گرم محبوس ساخت. البته به روایت جوزجانی، امراء از این مساله مطلع گردیدند و بدین ترتیب تکش - گر چه دچار آسیب جدی شده بود- بطور معجزه‌آسایی از مرگ حتمی نجات یافت. طبقات ناصری این‌گونه به رویداد اشاره دارد: «تکش به‌هلاکت نزدیک شد، جماعت امراء و ملوک در آمدند و در گرمابه بشکستند، و تکش را از گرمابه بیرون آوردند، و او صفرا کرده بود، و یک چشم او رفته» (۲۴) (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۱/۳۰۱). حمام در سده‌های میانه اسلامی گاهی به عنوان بهانه و ابزاری برای انحراف افکار در عرصه نظامی به کار رفته است. چنانچه در یک نمونه برجسته سلطان محمود بن محمدخان (۵۵۲-۵۵۷ ق)، خواهرزاده و جانشین سلطان سنجر سلجوقی در سال ۵۵۶ هجری قمری به بهانه رفتن به حمام از دست غزان در شادیاخ گریخت و به نیشابور رفت (ر.ک. به: ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۴/۱۴۲).

حمام؛ محل مناظرات، اعتراضات و ملاقات‌های سیاسی

حمام در کارکرد سیاسی خود گاهی به عنوان مکانی جهت ابراز انتقادات، اعتراضات و نیش و کنایه‌های سیاسی علیه حکومت‌ها و تنویر افکار عمومی مورد بهره برداری قرار می‌گرفته است. فضای بسته حکومتی، تضاد بین دولت و ملت، شرائط استبدادی جامعه ایرانی- اسلامی بر این واقعیت صحنه می‌گذارد که اماکن عمومی از جمله حمام‌ها و مساجد، مناسب‌ترین موقعیت جهت اعلان انتقاد، اعتراضات سیاسی و از همه مهمتر تحریک سیاسی علیه حکومت وقت بوده است؛ گر چه تعداد آنان در تاریخ ایران - به علت پر هزینه بودن آن بر مردم- بسیار اندک است. با این حال سده‌های میانه نمونه‌های معدودی را در این خصوص ثبت کرده است که البته خود می‌تواند از نقش و جایگاه ممتاز سیاسی حمام در مقطع مورد اشاره حکایت داشته باشد. در همین راستا می‌بایست به نکته مهمی اشاره داشت و آن این که موقعیت جغرافیایی ممتاز حمام‌ها و قرار گرفتن آن‌ها در مراکز شهری و در کنار نهادهای مهم سیاسی، مذهبی و اقتصادی خود می‌توانست یکی از عوامل انتخاب این ابنیه در بهره‌برداری سیاسی از آنان باشد. زیرا به نظر می‌رسد در کنار دسترسی نسبتاً سهل و هموار به دولت‌مردان،

می‌توانست نقش اطلاع‌رسانی مناسبی را برای تبلیغ و در نهایت تجمع عموم مردم داشته باشد (ر.ک.به: قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۰؛ کیانی، ۱۳۷۹: ۲۴۳-۲۵۰). چنانچه محمد عوفی به حکایتی از حاکم خراسان اشاره دارد که به مردم وعده دروغ می‌داد. تا آن که یک روز در حمام فردی او را مورد طعنه و انتقاد قرار داد. صاحب جوامع الحکایات در ادامه اشاره دارد که گر چه حاکم مذکور رنجیده خاطر گردید؛ لیکن بعدها رفتار خود را اصلاح نمود (عوفی، ۱۳۸۶: ۲۸۵/۳-۲۸۷). همچنین بدایع الملح به نمونه‌ای نه چندان اخلاقی از طعنه حاضران در حمام و مقایسه برهنگان آنجا با خلفاء اشاره دارد که البته خود از روح زمانه و بینش حاکم در اجتماع عصر خبر دارد (ر.ک.به: طرائفی خوارزمی، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

حمام در کارکرد سیاسی خود همچنین گاهی به عنوان محل مباحثات و نیز ملاقات‌های سیاسی در سده‌های میانه اسلامی مورد رجوع خواص بوده است. بدین صورت که ملاقات‌ها و مذاکرات سران حکومتی در حمام صورت می‌پذیرفته است. چنانچه عطاملک جوینی به ملاقات مجدالملک با ایلخان آباقا (۶۶۳-۶۸۰ ق) در مسلخ (۲۵) حمام به هنگام اقامت او در شروپاز (۲۶) به سال ۶۷۸ هجری قمری و ارائه گزارشات مهم حکومتی خبر می‌دهد (جوینی، ۱۳۸۵: ۵۶/۱). حمام ضمناً به نظر می‌رسد همواره می‌توانست از منزلت سیاسی اشخاص گواهی دهد (۲۷). سخن ابن خلدون می‌تواند بر این امر صحنه بگذارد. به نوشته ایشان گرمابه‌ها غالباً توسط «برخی از پادشاهان و رؤساء» بنیان نهاده می‌شده است. از همه مهم‌تر اساساً وی بر این باور است که حمام‌ها برآمده از تجمل خواهی و ناز و نعمت توانگریست و در نتیجه غالباً در شهرهای متمدن نشین پر جمعیت احداث می‌شود (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۷۴۶/۲). پیش‌تر از آن و از نوشته حمدالله مستوفی نیز این نکته قابل استنباط خواهد بود که ساختن حمام می‌توانست یکی از معیارهای تمکن و تشخیص در جوامع سده‌های میانه اسلامی شمرده شود (مستوفی، ۱۳۶۴: ۸۱۴).

نتیجه

حمام‌ها علاوه بر کارکردهای فرهنگی-اجتماعی، به لحاظ سیاسی یکی از کانون‌های مهم و در عین حال اثرگذار در سده‌های میانه تاریخ ایران بود. ویژگی‌های جغرافیایی و معماری این شاخصه شهرهای اسلامی از جمله موقعیت ممتاز آن در مراکز شهری و در کنار بناها و نهادهای مهمی چون مساجد، بازارها، دارالاماره‌ها و کاروانسراها، علاوه بر تحولات اجتماعی- فرهنگی روز، کارکرد سیاسی آن را در عرصه‌های مختلف به اثبات رسانده است. مختصات معماری درون‌گرایانه و برخوردارگی از اجزاء

مختلف نیز بر جاذبه‌ها و در عین حال ظرفیت‌های آن می‌افزود. لذا حمام‌ها عملاً به عنوان بخشی انکارناپذیر از زندگی مردم، در نقش یک نهاد اثرگذار بر تحولات اجتماعی- سیاسی این دوره ظاهر گردید؛ چنانچه گاهی بررسی تاریخ تحولات این دوره بدون توجه به این جلوه‌گاه معماری ایرانی-اسلامی عملاً ناقص خواهد بود. استفاده از ظرفیت حمام- به طور مستقیم و یا غیرمستقیم- در قتل و مجازات دشمنان و یا تنبیه آنان کارنامه آن را در دهها مورد از حوادث سیاسی سده‌های میانه تاریخ ایران به نمایش گذاشته است. مقتولان و سوءقصدشدگان نیز غالباً از هیات حاکمه و چهره‌های نافذ سیاسی- و در رأس آن سلاطین و خلفاء و وزراء- عصر شمرده می‌شوند که خود محل تحلیل و تفسیر خواهد بود. همچنین موقعیت ممتاز و بی‌بدیل حمام در انعکاس اعتراضات و انتقادات سیاسی نسبت به صاحبان قدرت و در حقیقت بهره‌مندی از ظرفیت‌های بی‌نظیر در امر تبلیغ سیاسی نیز خود بیش از پیش از اهمیت و جایگاه سیاسی حمام گواهی دارد. خواسته‌های عمومی گاهی جایی بهتر از حمام را برای انتقال به صاحبان قدرت پیدا نمی‌کرده است. نتیجه آن که حمام منشاء تحولات بسیار در مقطع مورد اشاره بوده است. تحولاتی که خود مسیر تاریخ را در سرنوشت سیاسی حکومت‌ها تغییر داده است.

یادداشت‌ها

1. Floor.w. (1988) bathhouses. Iranica encyclopaedia.v.111.london and new York: routledge & kegan paul.

۲. شمار قابل توجه حمام در شهرهای میانه اسلامی بر این اهمیت بیش از پیش صحنه می‌گذارد. چنانچه برای بغداد قرن سوم هجری عدد پنج هزار و در قرن چهارم هجری ده هزار حمام ذکر شده است. گر چه این آمار ممکن است اغراق آمیز به نظر آید، لیکن خود بر پرشماری حمامها در سده‌های میانه اسلامی حکایت دارد- در این خصوص ر.ک.به: 1988.floor: ۸۶۳-۸۶۵.

۳. بایستی معترف بود حمام‌های ایرانی با توجه به کارکردهای بسیار آن در جامعه، همواره در کنار مسجد یکی از مستحکم‌ترین و در عین حال مهم‌ترین بناهای شهری بوده که امروزه بقایای بسیاری از آن موید این امر است. حتی گاهی محلات شهرها پیرامون آن شکل گرفته است. لذا بی علت نیست که از آن به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم شهرهای اسلامی یاد می‌شود- ر.ک.به: قمی، ۱۳۶۱: ۲۰؛ پاپا دو پولو، ۱۳۷۴: ۱۹۵.

۴. در این خصوص رجوع شود به: شعبانی- جبار، بهار و تابستان ۱۳۹۳: ۸۹-۱۰۹.

۵. دیگر دوره‌های تاریخ ایران نیز قتل چهره‌های شاخصی را در حمام به خود دیده است که از جمله آن‌ها می‌توان به قتل فضل بن سهل ایرانی وزیر سیاستمدار عباسیان در حمام سرخس و به دسیسه و توطئه خلیفه مأمون عباسی- مسعودی، ۱۳۴۷: ۴۴۲/۲-۴۴۳ و وزیر لایق و با تدبیر ایرانی یعنی امیرکبیر اشاره کرد که به دسیسه دربار و استعمار، حمام فین- و بل تاریخ ایران- رنگی از خون به خود گرفت.

۶. لزوم تنظیم دما و رطوبت موجب می‌گردد تا نوعی معماری درون‌گرایانه با کمترین منافذ و پنجره‌ها در آن بکار رود. این نوع رویکرد معماری حتی در مناطق سرد ایران شدت بیشتری می‌یافت؛ چنانچه گاهی حمام‌ها نه در سطح که در عمق زمین احداث می‌شده و عموماً چند پله از سطح زمین پایین‌تر بوده‌اند. علاوه بر این ضرورت‌های آبرسانی از چشمه‌ها و قنات‌ها نیز در این مساله بی تأثیر نبود. ضمناً غالب حمام‌ها دارای اجزای متعددی چون بینه، میان در، گرم‌خانه، انبار سوخت، تون آتش‌دانه (گلخن آتش‌دان)- دودکش‌ها و گودالی برای جمع‌آوری خاکسترها بوده است- نک. به: فخار تهرانی، ۱۳۷۹: ۲۴۸-۲۵۱؛ روح الامینی، ۱۳۸۶: ۲۸؛ پاپا دو پولو، ۱۳۷۴: ۱۹۵.

۷. ضمناً بی سلاح و بی لباس بودن افراد و نیز حضور قشرهای مختلف مردم در مرکز شهر نیز به این انگیزه‌ها یاری و در عین حال شرائط را برای اجرای آسان‌تر نقشه‌ها توسط مهاجمان فراهم می‌کرد.

۸. جایگاه قاتلان در دستگاه خلافت عباسی بر این شبهه بیش از پیش دامن می‌زند. توزون پس از کشتن مرداوید در بغداد مقام امیرالامرایب یافت. مزید بر هم‌دستانش یعنی یاروق پسر بغرا، محمد بن ینال ترجمان و بجکم پیش از او در بغداد مقام امیرالامرایب داشتند- ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۶۲۰/۳

۹. قتل سلطان زیاری در حمام خود منشاء تحولات بسیار دیگر - در جهان اسلام و به ویژه آل زیار - بود که از جمله آن می‌توان به تضعیف شدید موقعیت این حکومت در تحولات سیاسی قرن چهارم هجری اشاره کرد. زیرا پس از قتل مرداویج، حکومت زیاری هیچ‌گاه نتوانست شکوه و عظمت گذشته خود را در عرصه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و... باز یابد. علاوه بر این دستگاه خلافت عباسی و نیز حکومت نوپای آل بویه از یک دشمن خطرناک رهایی یافتند - ر.ک. به: مسعودی، ۱۳۴۷: ۷۵۱/۲؛ رجیبی، ۱۳۸۶: ۵۲/۳.
۱۰. قتل مؤسس و پیشوای قرامطه بحرین تبعاتی را در پی داشت که از جمله آن می‌توان به منازعات قدرت در فدای پس از قتلش اشاره کرد. بدین صورت که گر چه او پسرش سعید را به جانشینی برگزید، لیکن ابوطاهر سلیمان با پشتیبانی خلیفه فاطمی مصر عبیدالله المهدی بر برادر بزرگتر غلبه کرد - مسکویه؛ ۱۳۷۶: ۸۶/۵؛ ممتحن، ۱۳۷۱: ۲۱۴.
۱۱. در خصوص قتل المستنجد باید گفت مهمترین حاصل آن تأخیر در احیای قدرت مادی و معنوی دستگاه خلافت از سیطره عنصر ترک بود. خواسته دیرینه‌ای که چند سال بعد به دست خلیفه الناصر تحقق یافت - در این خصوص ر.ک. به: باسورث، ۱۳۷۱: ۱۶۶-۱۶۷.
۱۲. ظاهراً علت این دسیسه ازدواج ایلخان مغول با دلشاد خاتون، قتل پدر و برادران بغداد خاتون و محتملاً تحریک اطرافیان روایت شده است - ر.ک. به: سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۲۱/۱؛ یزدی، ۱۳۸۷: ۱۹۳/۱؛ اقبال آشتیانی، - ۱۳۸۴: ۳۳۵.
۱۳. این مساله نشان می‌دهد قتل و ترور در سده‌های میانه تاریخ ایران شامل زنان و حتی در حمام زنانه نیز می‌شده است.
۱۴. ظاهراً اقدام نه چندان قابل دفاع سلطان غوری و آنها در قبال زنان مانع از آن گردیده است تا تاریخنگار دربار غوری یعنی منهاج الدین سراج جوزجانی در اثرش طبقات ناصری بدین حادثه کمترین اشاره‌ای داشته باشد. به نظر می‌رسد وابستگی تاریخ‌نگاری ایرانی به قدرت که مورخ مذکور نیز شامل آن می‌شده، در این مساله بی تأثیر نبوده است.
۱۵. البته ابن اسفندیار به نکته مهمی اشاره دارد که نمی‌تواند به دور از واقعیت باشد. به گزارش او شاه غازی نه تنها پس از حادثه ترور فرزندش با سلطان سلجوقی قطع رابطه کرد، بلکه «به ملوک و جهانداران که دوستان او بودند ذکر سلطان سنجر نبستی که سنجر ملحد پسر مرا بفرمود کشت» - ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۸۶/۲. ضمناً مشی سیاسی سلطان سنجر در ارتباط پنهانی با اسماعیلیان - علیرغم وجود همه نگاه‌های سنگین و در عین حال پر هزینه‌اش - و حتی بهره جویی از خنجر بدستان اسماعیلی در حذف فیزیکی مخالفانش - در رأس آنان قتل خلیفه عباسی المسترشد بالله - این گمان را صد البته تقویت می‌سازد - ر.ک. به: ابن خلکان، ۱۳۸۱: ۴۶۴/۵۰۶؛ نخجوانی، ۱۳۵۷: ۲۹۶ - ۲۹۴.

۱۶. تاریخ طبرستان، رویان و مازندران ضمن همدردی با سلطان قابوس، از قتل وی با عنوان «شهادت» یاد می‌کند- مرعشی، ۱۳۴۵: ۸۷.
۱۷. انتقام‌ستانی و قتل قاتلان پدر توسط سلطان منوچهر در تاریخ این دوره ثبت گردیده است- ر.ک.به: مرعشی، ۱۳۴۵: ۸۸.
۱۸. البته در این ترور نیز نمی‌بایست از مناسبات مخفیانه بین سلطان مسعود سلجوقی با فدائیان اسماعیلی یاد نکرد. در برداشت دیگر ممکن است قتل‌های مذکور به نام اسماعیلیان و در حقیقت برنامه ریزی شده توسط اشخاص دیگر صورت پذیرفته باشد- ر.ک.به: بنداری، ۲۵۳۶: ۱۹۰، ۱۹۷، ۲۰۹؛ کسروی، ۱۳۵۳: ۲/۱۶، ۲۱۴. البته بنداری گر چه به مناسبات نه چندان دوستانه داود و مسعود - علی‌رغم آن که دختر مسعود در حبالة نکاح او بود- اشاره دارد، لیکن در خصوص قتل وی زنگی بن آق سنقر حاکم شام را محرک اصلی باطنیان بر می‌شمرد. ظاهراً داود در صدد حمله به شام بود- بنداری، ۲۵۳۶: ۲۳۱.
۱۹. احتمال دخالت عوامل اقتصادی و نیز تسویه حساب‌های درونی حکومت سلجوقی، در کنار تعاملات پنهانی ساختار سیاسی قدرت با اسماعیلیان می‌تواند در این امر دخیل بوده و بر این شبهه بیافزاید.
۲۰. گرفتن طالع توسط منجمان و در حمام خود از کارکرد علمی- اجتماعی حمام در سده‌های میانه اسلامی حکایت دارد.
۲۱. این احتمال که بین طالع بینان و فدائیان اسماعیلی رابطه‌ای برقرار بوده است، به دور از ذهن نخواهد بود. نفوذ نهضت اسماعیلیه در قشرهای مختلف اجتماع بر این گمانه بیش از پیش دامن می‌زند.
۲۲. اگر مردم به کمک او نشتافته بودند، قتل دیگری در حمام صورت می‌پذیرفت؛ همان اتفاقی که می‌توانست برای مرداویج زیاری صورت پذیرد و البته شاید مسیر تاریخ را به لونی دیگر در آورد.
۲۳. این مساله نشان می‌دهد که بر در و دیوار حمام‌های این دوره نقش و نگارها و اشعاری رسم می‌شده است که البته خود می‌تواند انعکاسی از کاربرد فرهنگی این نوع از بناها باشد- ر.ک.به: فخار تهرانی، ۱۳۷۹: ۲۵۱؛ مخلص، ۱۳۸۲: ۱۰۰-۱۱۴.
۲۴. عجیب است که منبع مذکور از مجازات همسر سلطان پس از این حادثه هیچ خبری به ما ارائه نمی‌دهد. محتملاً جایگاه سیاسی و نظامی ترکان خاتون و پشتوانه ایلپاتی او مانع از اعمال هر گونه مجازاتی توسط سلطان خوارزمشاهی بوده است. مزید بر این شاذ بودن خبر مذکور نیز نکته قابل تعمق دیگری است.
۲۵. رخت کن حمام.
۲۶. سلطانیه کنونی.
۲۷. علاوه بر این عنصر معماری نیز به کمک این منزلت سیاسی می‌آمد. بدین صورت که حمامها افزون بر عناصر اصلی (سربینه، میان در، گرمخانه، خزینه، فضای تنظیف و سرویس بهداشتی) دارای فضاهایی با عنوان «خاصه نشین» یا «شاه نشین» بودند- ر.ک.به: floor، ۱۹۸۸: ۸۶۴-۸۶۵.

منابع

- املی، اولیاء الله (۱۳۴۸). *تاریخ رویان*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۸۵ ق/ ۱۹۶۵ م). *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۱، بیروت: دارالصادر.
- (۱۳۷۱). *تاریخ کامل*، ترجمه محمد حسین روحانی و حمیدرضا آژیر، ج ۱۱، تهران.
- (۱۳۷۱). *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه عباس خلیلی-ابوالقاسم حالت، ج ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۵، تهران: علمی.
- (۱۳۶۸). *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه علی هاشمی حائری، ج ۱۶، تهران: علمی.
- ابن اخوه (۱۳۶۵). *معالم القریه، آیین شهرداری*، ترجمه جعفر شعار، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۸۹). *تاریخ طبرستان*، ج ۲، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن بلخی (۱۳۷۴). *فارسنامه*، تصحیح منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۶۳). *تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۲-۴، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- (۱۳۷۵). *مقدمه*، ج ۲، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن خلکان، شمس‌الدین احمد بن محمد (۱۳۸۱). *منظرالانسان (ترجمه و فیات‌الاعیان)*، ج ۱، ترجمه احمد بن محمد سنجرى، تصحیح فاطمه مدرسی، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- ابن عبری، غریغوریوس ابوالفرج (۱۳۷۷). *تاریخ مختصرالدول*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۳). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری-مریم میراحمدی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- (۱۳۸۶). *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: علمی و فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴). *تاریخ مغول*، تهران: امیرکبیر.
- باسورث، ادmond کلیفورد (۱۳۷۱). «*تاریخ سیاسی و دودمانی ایران (۶۱۴-۳۹۰ ق)*»، *تاریخ ایران کمبریج*، ج ۵، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بدلیسی، شرف خان (۱۳۷۷). *شرفنامه*، تصحیح ولادیمیر ولییا مینوف، تهران: اساطیر.
- بنداری اصفهانی، فتح بن علی (۲۵۳۶). *تاریخ سلسله سلجوقی*، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۰). *دین و دولت در ایران عهد مغول*، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۷۴). *تاریخ بیهقی*، ج ۱، تصحیح خطیب رهبر، تهران: انتشارات مهتاب.
- پاپا دو پولو، الکساندر (۱۳۷۴): «معماری مدنی در اسلام»، ترجمه آرزو اقبالی، فصلنامه هنر، ش ۲۹.
- جرفاذقانی، ابوالشرف ناصح (۱۳۷۴). *تاریخ یمینی*، تصحیح جعفر شعار، تهران: علمی و فرهنگی.
- جوزجانی، ابوعمر عثمان (۱۳۶۳). *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، ج ۱، تهران: دنیای کتاب.
- جوینی، عطاملک (۱۳۸۵). *تاریخ جهانگشای*، تصحیح محمد قزوینی، ج ۱، تهران: دنیای کتاب.
- حسینی، ابوالحسن علی بن ناصر (۱۳۸۰). *زبدۃ التواریخ، اخبار الامراء و الملوك السلجوقیه*، ترجمه رمضانعلی روح اللهی، تهران: ایل شاهسون بغدادی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام (۱۳۸۰). *تاریخ حبیب‌السیر*، تهران: خیام.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۶). *سده‌های گمشده (دیلیمان، علویان، آل زیار و آل بویه)*، ج ۳، تهران: پژواک کیوان.
- روح الامینی، محمود (۱۳۸۶). *حمام عمومی در جامعه و فرهنگ و ادب دیروز*، تهران: اطلاعات.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳). *مطلع سعیدین و مجمع بحرین*، ج ۱، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۷۶). *مجمع الانساب*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- شعبانی، امامعلی - سعیده جبار (بهار و تابستان ۱۳۹۳). «حمام و کارکردهای اجتماعی آن در سده‌های میانه تاریخ ایران»، پژوهش نامه تاریخ اقتصادی و اجتماعی، سال سوم، شماره اول، صص ۸۹-۱۰۹.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱۵، تهران: اساطیر.
- طرائفی خوارزمی، قاسم بن حسین (۱۳۸۲). *بدائع الملح، نواهای نمکین*، ترجمه موفق بن طاهر خوارزمی، تصحیح مصطفی اولیایی، تهران: نشر میراث مکتوب.
- طقوش، محمد سهیل (۱۳۹۰). *دولت عباسیان*، ترجمه حجت‌الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۸۶). *متن انتقادی جوامع الحکایات و لوامع الروایات*، ج ۳، تصحیح امیر بانو مصفا و مظاهر مصفا، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فخار تهرانی، فرهاد (۱۳۷۹). «حمام‌ها»، معماری ایران دوره اسلامی، محمد یوسف کیانی، تهران: سمت.
- فروزانی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *غزنویان از پیدایش تا فروپاشی*، تهران: سمت.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۳). *آثار البلاد و اخبار العباد*، تهران: امیرکبیر.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱). *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی، تحقیق جلال‌الدین تهرانی، تهران: توس.
- کسروی، احمد (۱۳۵۳). *شهریاران گمنام*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۹). *معماری ایران دوره اسلامی*، تهران: سمت.

- مخلصی، محمد علی (۱۳۸۲). «تزیینات و آرایه‌ی حمام»، کتاب ماه هنر، ش ۵۷ و ۵۸. مرعشی، ظهیر الدین (۱۳۴۵). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، تهران: شرق. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴). تاریخ گزیده، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر. مسعودی، ابوالحسن علی (۱۳۴۷). مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۷۶). تجارب الامم و تعاقب الهمم، ترجمه علینقی منزوی، ج ۵ و ۶، تهران: توس.
- ممتحن، حسینعلی (۱۳۷۱). نهضت قمرطیان، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- واصفی، زین الدین محمود (۱۳۴۹). بدایع الوقایع، ج ۲، تهران: بنیاد فرهنگ ایران. نخجوانی، هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی. (۱۳۵۷). تجارب السلف در تواریخ الخلفا و وزرای ایشان. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: کتابخانه طهوری.
- یزدی، شرف الدین علی (۱۳۸۷). ظفرنامه، ج ۱، تصحیح سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوایی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

Floor.w. (1988)bathhouses. Iranica encychopaedia.v.111.london and new York: routledge & kegan paul